



سنجش میزان مشارکت زنان روستایی استان آذربایجان شرقی در تعاونی های زنان روستایی و ارتباط آن با میزان تسهیلات دولتی

رقیه زرگری^۱

چکیده:

تحقیق حاضر در صدد آن است تا میزان مشارکت زنان روستایی در تعاونیها و رابطه آن با تخصیص تسهیلات دولتی را بررسی نماید.

مشارکت (*Participation*) به عنوان کلیدی ترین عنصر در دستیابی به اهداف توسعه روستایی از اهمیت خاصی برخوردار است. مشارکت حالتی است که افراد به طور ارادی و آگاهانه و با میل و رضایت خود و بدون هیچگونه اجبار، در تشکلهای و تعاونیهای روستایی همکاری می کنند و این همکاری از مرحله تصمیم گیری تا اجراء، نظارت و ارزشیابی برنامه ها تداوم دارد و به طور مستمر جریان پیدا می کند.

گرچه موضوع مشارکت در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مدت مدیدی است که در جهان مطرح شده است، اما جای خالی این بررسی ها، بخصوص در ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن، در تعاونیها و با گرایش زنان روستایی بشدت احساس می شود. مطالعاتی که تاکنون در حول و حوش پژوهش حاضر انجام گرفته است تا حدودی متغیرهای مشابه هم را اندازه گیری نموده اند، لیکن این تحقیق در صدد آن بوده است که متغیری ملموس، کاربردی و در عین حال جدیدی را با تاکید بر آراء و نظریات جامعه شناسان ارائه دهد، بدین منظور از دیدگاههای جامعه شناسان برجسته ای نظیر فریدمن و ویور، ماسلی و چیرت، جولوس نیرره، اوفاف و کوهن و ... به موضوع پرداخته شده است.

در اجرای تحقیق از روش پیمایشی و برای گردآوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است نتایج تحقیق با نمونه گیری از ۱۲۸ نفر از زنان عضو و ۱۱ مورد تعاونی روستایی در سطح استان نشان می دهد که بین میزان مشارکت زنان در تعاونی ها و تخصیص تسهیلات دولتی به آنان، رابطه معنی دار ولیکن معکوسی وجود دارد.

کلید واژه: تعاونی - زنان - روستایی - تسهیلات دولتی - مشارکت

۱- کارشناس مسئول امور زنان روستایی جهاد کشاورزی استان آذربایجان شرقی و کارشناس ارشد جامعه شناسی Ea.zanan@ej.ir



مقدمه و طرح مسئله:

زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما فقط صاحب یک درصد منابع مالی جهان می‌باشند. این قشر عظیم از جامعه نقش تعیین کننده‌ای در رشد زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی دارند ولی نقش‌های ایفا شده توسط آنان در جایگاه و سطوح مختلف اجتماعی جدی گرفته نشده است، چرا که در جامعه جهانی فقط کاری که منجر به کسب درآمد پولی شود مورد توجه است. به عنوان نمونه در کشورهای در حال توسعه عمده فعالیت‌های زنان روستایی به منظور تأمین نیازهای مصرفی خانوار صورت می‌گیرد و نه به منظور کسب درآمد پولی، اما این گونه تلاش طاقت فرسا هیچ گونه حقوقی برای آن ایجاد نکرده است و در آمارهای رسمی لحاظ نشده است.

در کشورمان ایران نیز، اغلب زنان در حاشیه‌ی مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار دارند، مطرح‌ترین دیدگاه درباره‌ی ضعف حضور زنان و مشارکت زنان در فعالیت‌ها، عملکرد ساختارهای مرد سالارانه است که با اولویت‌بخشی به مردان، زنان را به جای رفتن به بطن جامعه، به حاشیه می‌راند. در این شرایط فرهنگی که زنان تابع طرز فکری مرد سالارانه هستند، مشارکت خودانگیزه زنان در امور مختلف دشوار و حتی ناممکن به نظر می‌رسد.

زنان امروزه درک کرده‌اند که هم می‌توانند حرفه‌ی خود را داشته باشند و هم ویژگی‌های خود را حفظ کنند و نه تنها خود را با دنیای مردان وفق ندهند، بلکه شیوه‌های خاص خود را به جامعه بشناسانند. زنان ایرانی تلاش را آغاز کرده‌اند تا خود را تعریف کنند و ساختارهای مناسب زندگی کاری خود را بیابند. زنان موقعیت مساوی را جست‌وجو می‌کنند نه موقعیت‌های مشابه مردان را.

امروزه با افزایش سطح سواد و گسترش آموزش عالی در بین زنان و حمایت دولت از بخش خصوصی و صنایع کوچک اشتغال‌زا، زمینه مساعدی برای ایجاد تشکلهای و تعاونی‌های زنان روستایی فراهم شده است و زنان در صدد یافتن موقعیت‌های بهتر و بالاتر و گاهاً برابر با مردان هستند و عده‌ای از آنان نیز بر این باورند که همانگونه که مردان حق مشارکت در تمام عرصه‌ها را می‌توانند داشته باشند، زنان نیز نباید از این قاعده مستثنی شوند. لیکن به نظر می‌رسد مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و در قالب تشکلهای و تعاونی‌ها با مسایلی همراه باشد که گسترش و توسعه چنین تشکلهایی را با حرکتی کند رو به رو سازد.

به هر حال باید گفت مشارکت زنان به عنوان نیمی از جمعیت یک جامعه در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه و به ویژه توسعه‌ی انسانی مطرح می‌باشد. کشورهای پیشرفته صنعتی در دهه‌ی اخیر از دموکراسی مشارکتی، توسعه مشارکتی و اقدامات مشارکتی دیگر سخن به میان آورده و آن را کلید برخی از معضلات جوامع خود اعلام داشته‌اند.



به نظر می‌رسد، مشارکتی که در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی کشورها مد نظر بوده و در برخی از موارد موجب حل برخی معضلات شده است، منظور مشارکت تمامی آحاد جامعه اعم از زن و مرد بوده باشد، ولی آنچه که مسلم است، این است که در کشورهای در حال توسعه و به خصوص ایران و در مناطق روستایی میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی روستاها و به ویژه تعاونی‌ها، نسبت به مردان متفاوت بوده و علل و عوامل خاصی نیز این مسئله را موجب گردیده است. با توجه به مطالب مطروحه، تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سوال است که آیا بین میزان مشارکت زنان در تعاونی‌ها و تخصیص تسهیلات دولتی رابطه وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت موضوع:

در حال حاضر ساختار نظام‌های گروهی و اجتماعی در سراسر جهان چنان است که صدای بسیاری از مردم شنیده نمی‌شود و از خواست و نیاز نیمی از افراد جامعه یعنی زنان که در حاشیه قرار گرفته‌اند کمتر صحبت به میان می‌آید. این وضعیت تابع عوامل مختلفی است و پارامترهای مشخصی باعث در حاشیه قرار گرفتن زنان شده است که همین امر نیز بر میزان مشارکت آن‌ها در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی مؤثر واقع شده است.

موضوع مشارکت زنان از جهات گوناگون دارای اهمیت و ارزش می‌باشد، نخست این که مشارکت زنان در سرنوشت خویش به عنوان یک هدف ارزشی است؛ بدین معنی که زنان خود می‌توانند در تصمیمات و اقدامات سرنوشت‌ساز خویش شرکت مؤثر داشته باشند و این مشارکت در همه‌ی مراحل برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای آن‌ها به عنوان ارزش تلقی می‌شود. دوم این که «مشارکت» خود بخشی از فرآیند و نتیجه توسعه است، بدین معنی که مشارکت زنان موجب می‌شود، حس اعتماد و خوداتکایی آنان افزایش یابد و در به نتیجه رساندن فعالیت‌ها با سرعت بیشتری کوشش نمایند، زمینه‌های رشد استعدادها و بروز خلاقیت‌های آنان فراهم شود و هزینه‌ی اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها با مشارکت آن‌ها کاهش یابد.

بنابراین یکی از مؤلفه‌های عمده توسعه روستایی مشارکت نیمی از جامعه روستایی یعنی زنان در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی روستا یعنی در امور مربوط به خود می‌باشد، موضوعی که اکنون مورد مطالعه قرار می‌گیرد به دلایل ذیل اهمیت زیادی برای توسعه روستایی به طور عام و توسعه فعالیت‌های روستایی به طور خاص دارد:

- ۱- بدون مشارکت نیمی از جمعیت روستایی یعنی زنان، توسعه روستایی امکان‌پذیر نیست زیرا توسعه روستایی به وسیله هر یک از آحاد جامعه روستایی اعم از زن و مرد قابل تحقق است.
- ۲- گسترش تشکلهای اقتصادی در قالب تعاونی‌ها با مشارکت زنان، نه تنها باعث افزایش بازدهی فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا در روستاها می‌شود، بلکه همچنین موجب جلوگیری از خالی شدن روستاها و مهاجرت آنان به شهرها می‌شود.

۳- مشارکت ندادن زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستا یعنی عدم مشارکت آنان در تعیین سرنوشت خویش که این امر موجب بروز نابرابری، بی‌عدالتی و تشدید شکاف جنسیتی بین زن و مرد می‌شود.

۴- مشارکت زنان در فعالیت‌های روستایی باعث بروز استعدادها و بهره‌گیری از توانایی‌های آنان می‌شود.

۵- مشارکت زنان در فعالیت‌های روستایی موجب افزایش توان مدیریتی زنان شده و اعتماد به نفس آنان را در اداره امور مربوط به خود بالا می‌برد.

۶- فرآیند مشارکت زنان در فعالیت‌های روستایی موجب افزایش کارایی ساختارهای غیرمتمرکز می‌شود و از این طریق وابستگی آنان به دولت را به حداقل می‌رساند.

۷- از آنجایی که تشکیل تعاونی‌ها و تشکل‌ها یک تلاش گروهی و متقابل است، روحیه مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس، تعاون، رفتار خلاق و مبتکرانه از این طریق تقویت می‌شود.

هدف کلی:

هدف کلی پژوهش حاضر این است که در مرحله اول میزان مشارکت زنان روستایی عضو تعاونی‌های روستایی تحت پوشش سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان شرقی را اندازه‌گیری کند و در مرحله دوم رابطه آن را با تخصیص تسهیلات دولتی مورد سنجش قرار دهد.

تعریف مفاهیم

مفهوم مشارکت:

اصطلاح مشارکت را نخستین بار افلاطون به کار برده است. او این اصطلاح را برای تعیین و مشخص کردن چیزی به کار برد که باعث می‌شود تا شناخت ما از جهان و درک و شناسایی ایده‌ها یکی شده و قابل حس شود. این امر خود باعث شناخت سازمان یافته می‌شود.

اصطلاح مشارکت معادل کلمه «Participation» انگلیسی است. این کلمه از ریشه *Part* به معنای بخش، قسمت و جزء گرفته شده است.

گاهی دو اصطلاح «Partnership» و «Association» نیز معادل با اصطلاح مشارکت «Participation» آورده می‌شود.

در فرهنگ مشارکت، در جوامع روستایی به سه اصطلاح «همیاری»، «دیگریاری» و «خودیاری» برمی‌خوریم. این مفاهیم بر حسب نوع منفعتی که برای فرد حاصل می‌کنند از یکدیگر قابل تفکیک هستند. درام واژه مشارکت را نوعی بسیج مردم برای به عهده گرفتن مسئولیت در پروژه‌های توسعه اقتصادی و اقتصادی تعریف می‌کند.



کورت دپفر (*Kurt Dopfer*) مشارکت را این گونه تعریف می کند: «مشارکت به عنوان نسبت مداخله عملی به مداخله های مورد نیاز از جهت پیگیری مؤثر فعالیت های خاصی، در سطح معینی از نمایندگی برای گروه مربوطه به کار می رود»

سالیما عمر (*S.Omar*) در تعریفی که از مشارکت ارائه می دهد، تأثیر نظام آموزشی جامعه را در تعیین هدف، مدنظر قرار داده و می گوید: «فرآیند مشارکت، مداخله و کنترل مردم، بیشتر به تعیین آنچه که از دیدگاه خود مردم «یک زندگی بهتر» را تشکیل می دهد، منجر خواهد شد. در این صورت تصمیمات مربوط به این که چه چیزی یک زندگی بهتر را می سازد، پیش از آن که با آنچه مردم مهم و مقدس می شمارند، منافات داشته باشد، نظام ارزشی آنان را منعکس می کند.»

مشارکت از دیدگاه سیستمی چنین تعریف می شود: راه های سازش و حل مناقشات که به توسعه و تعالی نظام اجتماعی منجر می شود. توسعه نیافتگی ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادی کردن آن، به انقراض نظام اجتماعی و سقوط سیاسی می انجامد.

مفهوم مورد نظر ما از مشارکت از بعد جامعه شناختی بیشتر در حوزه مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی می باشد.

مفهوم تعاونی:

در پژوهش حاضر مفهوم تعاونی ارتباط تنگاتنگی با اصطلاح همیاری دارد. در فرهنگ معین تعاون به معنی یکدیگر را یاری کردن، به هم یاری کردن می باشد و در لغت نامه دهخدا، هم پشت شدن، یکدیگر را یاری کردن، یاری کردن بعضی قوم بعضی دیگر را، با هم مددکای یکدیگر را کردن، معادل واژه تعاون آمده است.

(Cooperation) کلمه ای است مرکب از دو بخش «Co» که در زبان لاتین به معنی «بیشتر» و یا «با هم» به کار می رود و دیگری «Operation» که از ریشه «Operari» لاتینی مشتق شده و به معنی حمل کردن و کار کردن است.

تعاون را می توان نوعی کار و زندگی مشترک در سطوح گوناگون فعالیت های اجتماعی دانست. انسان و گروه های انسانی از طریق تعاون می توانند از سطحی از توسعه اجتماعی به سطحی غنی تر و مطلوب تر ارتقاء یابند.

تعاون در حقیقت چیزی بیش از کار در زندگی مشترک می باشد. می توان آن را «واکنش متقابل» نامید که به خاطر یک هدف و یک علتی که همه انسان ها را دربر می گیرد، انجام می شود.

آخرین تعریف بین المللی تعاون در سی و یکمین گنگره اتحادیه بین المللی تعاون که در سال ۱۹۹۵ در منچستر برگزار گردید بدین صورت ارائه گردیده است: «تعاونی انجمنی مستقل از افرادی است که به طور



داوطلبانه برای تأمین نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضای تأسیس شده، فعالیت خود را با مشارکت و با هدایتی دموکراتیک به اجرا درمی آورد.

تعریف تخصیص تسهیلات دولتی:

تعریف مفهومی: حمایت‌های مادی و معنوی دولت و یا حکومت مرکزی از حرکت‌های جمعی و گروهی افراد، به منظور پیشبرد مقاصد توسعه اقتصادی، اجتماعی در یک جامعه.

تعریف عملیاتی: در این پژوهش تسهیلات دولتی از طریق مؤلفه‌های زیر سنجیده می‌شود:

- آموزش‌های انفرادی یا اعزام کارشناسان فنی

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی

- برگزاری دوره‌های آموزشی - ترویجی

- برگزاری بازدیدهای داخلی و خارج از استان

- توزیع نهاده‌های یارانه‌ای از قبیل نهال، توزیع کود، سم و ...

- خرید تضمینی محصولات

- کمک به بازاریابی و فروش محصولات

- کمک‌های بلاعوض دیگر

پیشینه نظری مشارکت و رابطه آن با تخصیص تسهیلات دولتی :

- نظریه‌ی فریدمن و ویور: از نظریه‌پردازان توسعه روستایی، بر سه محور تأکید دارند: (۱) همکاری و خودیاری داوطلبانه (۲) اجتماعات روستایی (۳) توسعه غیرمتمرکز پایین به بالا. از نظر وی مردم نقش اصلی را در توسعه بر عهده دارند و دولت نقش ناظر را ایفاء می‌کند.

- سینگ: سینگ، مدل مشارک پنج P را مطرح کرده و در این مدل به پنج مرحله اشاره کرده است. ۱-

تحلیل مسئله ۲- تهیه برنامه عمل ۳- عمل مشارکتی ۴- ارزشیابی فرآیند ۵- برنامه‌ریزی برای پایداری.

از نظر سینگ تأکید روی ارابه دانش در هر یک از مراحل به بهره‌برداران از اهمیت اساسی برخوردار

است.

- اوفاف و کوهن: ایشان چهار نوع مشارکت را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند که عبارتند از:

۱- تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی ۲- اجرا ۳- تقسیم منافع ۴- بازنگری و ارزشیابی

ایشان معتقدند در هر یک از انواع مشارکت، تأکید بر نیازها، اولویت‌ها و استعداد‌های مردم محلی از

اولویت برخوردار است و بسیج منافع محلی برای بحث یا حتی جایگزین کردن آن به جای منابع دولت

مرکزی به عنوان یک رهیافت مشارکتی می‌تواند مؤثر باشد

- ماسلی و چیرت: از نظر ماسلی و چیرت برای ارتقاء مشارکت روستاییان در پروژه‌های برنامه‌های

توسعه روستایی، ابزارهای کلیدی مختلفی وجود دارد که عبارتند از:



۱- جلسات عمومی ۲- آموزش بزرگسالان ۳- ارزشیابی روستا ۴- برگزاری نمایشگاه‌ها ۵- استفاده از رسانه‌ها و ارتباطات.

-نظریه تسهیم هزینه‌ها: زیربنای نظریه‌ی تسهیم هزینه‌ها بدین قرار است که هر گاه بهره‌گیران یک برنامه‌ی آموزشی ملزم به تأمین بخشی از هزینه‌های مربوط به طرح و اجرای آن برنامه شوند، انگیزه‌های لازم و مکفی مشارکت فعالانه آن‌ها در جریان امور فراهم خواهد شد، لیکن مردم روستایی به علت محدودیت‌های مالی توان پرداخت تمام هزینه‌های جاری یک واحد ترویجی را نخواهند داشت، لذا حکومت مرکزی به تنهایی و یا همراه با نهادهای منطقه‌ای در جهت کمک به روستاییان عهده‌دار تأمین بخش عمده‌ای از مخارج آنان خواهد بود.

- جولیوس نیرره: وی توسعه روستایی بر محور مشارکت را تنها راه حل مشکلات جهان سوم می‌داند، به نظر وی یکی از شرایط توسعه روستایی این است که برنامه‌های توسعه باید برای مردم و توسط خود آن‌ها انجام پذیرد و دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند برنامه‌های توسعه را پیاده کنند، دولت‌ها فقط می‌توانند توسعه روستایی را تسهیل کنند و انجام آن را امکان‌پذیر سازند.

در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت، نظرات فریدمن و ویور، سینگ، ماسلی و چیرت، جولیوس نیرره و نظریه تسهیم هزینه‌ها طرفدار حمایت‌های دولت و تخصیص تسهیلات دولتی به افراد شرکت کننده در پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه می‌باشند. در مقابل دیدگاه اوفاف و کوهن بر اتکاء افراد مشارکت کننده بر منابع خود بدون دخالت دولت، معتقد است.

روش تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق بصورت اسنادی-پیمایشی می‌باشد که با مراجعه مستقیم به منطقه تحقیق، صورت گرفته است.

جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش عبارت است از تعداد کل اعضای تعاونی‌های زنان روستایی تحت پوشش سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان شرقی که این تعداد ۱۱۷۵ نفر را شامل می‌شود.

نمونه‌ی آماری

در این پژوهش مطابق جدول مورگان برای برآورد نمونه از جامعه آماری مورد مطالعه، تعداد ۱۲۸ نفر از بین جامعه مورد مطالعه به شیوه‌ی تصادفی نسبتی انتخاب گردید. توضیح این که مطابق دیدگاه روش‌شناسی، انتخاب ۱۰٪ از افراد یک جامعه برای مطالعات پیمایشی و همبستگی ضروری می‌باشد. منطبق بر این دلایل، در این مطالعه تعداد ۱۲۸ نفر با احتساب ۱۰٪ افت آزمودنی در نظر گرفته شده

$$1175 \div 10 = 118$$

$$118 + 10 = 128 \text{ است}$$



جدول ۱: توزیع نمونه گیری بر حسب تعداد اعضاء تعاونی

نام شهرستان	نام شرکت تعاونی روستا	تعداد اعضا	تعداد نمونه‌ی منتخب
اهر	قلندر	۱۲۰	۱۳
اسکو	خاصه‌لر	۴۰	۴
اسکو	ایلخچی	۱۵	۲
تبریز	کجوار	۱۰۰	۱۱
جلفا	سپه‌رود	۳۰	۳
سراب	اردها	۷	۱
شبه‌سدر	نظرلو	۳۳۱	۳۶
مرند	آریاتان	۱۹	۲
مرند	بناب	۴۳	۵
ملکان	آروق	۱۲۰	۱۳
هریس	خانقاه	۳۵۰	۳۸
	جمع کل	۱۱۷۵	۱۲۸

نتایج توصیفی تخصیص تسهیلات دولتی:

برای اندازه‌گیری و سنجش تسهیلات دولتی به عنوان متغیر مستقل از ۸ گویه در سطح سنجش ترتیبی و در ۵ گزینه به شکل لیکرت استفاده شده است، در این متغیر نمره ۲۶ بیانگر تخصیص تسهیلات دولتی در سطح خیلی زیاد و نمره ۷ بیانگر عدم استفاده از تسهیلات دولتی بوده است. نتایج حاکی از آن است که میانگین این متغیر در پژوهش حاضر ۱۱/۹۸ می‌باشد، میانگین به دست آمده از این متغیر برابر ۱۱/۹۸ می‌باشد که در حد کم و یا ضعیف ارزیابی می‌شود.

جدول ۲: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس میزان تخصیص تسهیلات دولتی

گویه‌ها	توزیع فراوانی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	بی‌پاسخ
آموزش انفرادی	فراوانی	۷	۱	۹	۹	۸۴	۱۸
	درصد	۵/۵	۰/۸	۷/۰	۷/۰	۶۵/۶	۱۴/۱
برگزاری کارگاه آموزشی	فراوانی	۶	۱۴	۶	۱۳	۶۶	۲۳
	درصد	۴/۷	۱۰/۹	۴/۷	۱۰/۲	۵۱/۶	۱۸/۰
برگزاری دوره‌های آموزشی - ترویجی	فراوانی	۲۰	۱۶	۲۸	۶	۵۰	۸
	درصد	۱۵/۶	۱۲/۵	۲۱/۹	۴/۷	۳۹/۱	۶/۳
برگزاری بازدیدهای داخل و خارج از استان	فراوانی	۱۷	۷	۴	۱۸	۷۹	۳
	درصد	۱۳/۳	۵/۵	۳/۱	۱۴/۱	۶۱/۷	۲/۳



۱۰	۱۱۰	۴	۳	۳	-	فراوانی	توزیع نهاده‌ای یارانه‌ای
۷/۸	۸۵/۹	۳/۱	۲/۳	۲/۳	-	درصد	
۲۲	۹۲	۹	۳	-	۲	فراوانی	خرید تضمینی محصولات
۱۷/۲	۷۱/۹	۷/۰	۲/۳	-	۱/۶	درصد	
۱۶	۸۳	۸	۶	۸	۷	فراوانی	کمک به بازاریابی و فروش
۱۲/۵	۶۴/۸	۶/۳	۴/۷	۶/۳	۵/۵	درصد	
۳	۸۵	۳۵	۱	۴	-	فراوانی	کمک‌های بلاعوض
۲/۳	۶۶/۴	۲۷/۳	۰/۸	۳/۱	-	درصد	

نتایج توصیفی میزان مشارکت زنان:

برای تعیین میزان مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها، از یک طیف ۶ گویه‌ای در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای استفاده شد، در این طیف نمره‌ی ۲۴ میزان مشارکت بسیار بالا را می‌رساند و نمره ۳ بیانگر عدم مشارکت می‌باشد. میانگین به دست آمده از این متغیر نیز برابر با ۱۵/۶۴ می‌باشد که در جدول ۱۵-۴ نشان داده شده است.

میانگین به دست آمده از این متغیر نیز بیانگر حد متوسط به بالای میزان مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی می‌باشد.

جدول ۳: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها میزان مشارکت زنان در تعاونی‌ها

گویه‌ها	توزیع فراوانی	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی متوسط	تا حدی کم	کم	اصلاً	بی‌پاسخ
سابقه‌ی عضویت در تعاونی‌ها	فراوانی	۱۴	۴	۱۸	۲۴	۱۶	۴۹	۳
	درصد	۱۰/۹	۳/۱	۱۴/۱	۱۸/۸	۱۲/۵	۳۸/۳	۲/۳
تعداد سهام عضو در تعاونی	فراوانی	۱۳	۱۴	۲۰	۳۱	۹	۳۰	۱۱
	درصد	۱۰/۲	۱۰/۹	۱۵/۶	۲۴/۲	۷/۰	۲۳/۴	۸/۶
داشتن مسئولیت در تعاونی به عنوان هیئت‌مدیره حسابدار، بازاریاب و ...	فراوانی	۴	۲۰	۷	-	-	۹۶	۱
	درصد	۳/۱	۱۵/۶	۵/۵	-	-	۷۵/۰	۰/۸
تعداد دفعات شرکت در مجمع عمومی	فراوانی	۵	۱	۱۰	۴۹	۲۹	۲۴	۱۰
	درصد	۳	۰/۸	۷/۸	۳۸/۳	۲۲/۷	۱۸/۸	۷/۸
تعداد دفعات مراجعه به شرکت	فراوانی	۲	۱	۳	۶	۲۲	۵۱	۴۳



۳۳/۶	۳۹/۸	۱۷/۲	۴/۷	۲/۳	۰/۸	۱/۶	درصد	تعاونی برای امورات مختلف
------	------	------	-----	-----	-----	-----	------	--------------------------

نتایج استنباطی تحلیل دو متغیره تسهیلات دولتی و میزان مشارکت:

برای آزمون رابطه بین تسهیلات دولتی و میزان مشارکت آنان با توجه به این که هر دو متغیر در سطح اندازه گیری فاصله ای است از آزمون همبستگی r پیروان استفاده شده است، نتایج به دست آمده از انجام ضریب همبستگی پیروان بیانگر رابطه ی معنی دار بین تسهیلات دولتی و میزان مشارکت آنان است، زیرا ضریب sig یا سطح معنی داری $0/01$ کوچک تر از سطح معنی داری قابل قبول یعنی $0/05$ است. لذا مدرک کافی برای رد فرضیه ی صفر داریم. پس فرضیه ی صفر و رد فرضیه اصلی تحقیق قبول می شود. جهت همبستگی بین این دو متغیر معکوس (منفی) بوده است. یعنی با افزایش تسهیلات دولتی میزان مشارکت پایین می آید و شدت همبستگی بین این دو متغیر $-0/22$ می باشد که بیانگر همبستگی ضعیف بین این دو متغیر است.

جدول ۴: آزمون ضریب همبستگی پیروان بین تخصیص تسهیلات دولتی و میزان مشارکت زنان

تسهیلات دولتی		x
$-0/225^*$	ضریب همبستگی	میزان مشارکت
$0/01$	معنی داری	
۱۲۸	تعداد مشاهدات	

نتایج تحقیق:

نتایج حاصل از آزمون پیروان برای اندازه گیری دو متغیر میزان مشارکت و تخصیص تسهیلات دولتی، حکایت از وجود رابطه ی معنی دار معکوس بین این دو متغیر دارد، یعنی با افزایش تخصیص تسهیلات دولتی میزان مشارکت زنان در تعاونی ها کاهش می یابد، این مسئله احتمالاً بیانگر این واقعیت است که زنان عضو تعاونی پس از دریافت تسهیلات دولتی انگیزه لازم را جهت مشارکت از دست داده و نسبت به مشارکت در تعاونی ها تمایل کمتری نشان می دهند. به عبارت دیگر تخصیص تسهیلات دولتی یکی از عوامل تشویق آنان به مشارکت در تعاونی ها بوده که پس از نیل به آن از ادامه ی روند مشارکت باز می مانند. می توان گفت برحسب دیدگاه فریدمن و ویور، سینگ، ماسلی و چیرت و جولوس نیرره، و نظریه ی تسهیم هزینه ها. دولت در نقش ناظر باید تسهیلاتی را برای مشارکت فعال مردم در پروژه های توسعه روستایی فراهم کند و در مقابل دیدگاه اوفاف و کوهن بر بسیج منابع محلی به جای حمایت حکومت



مرکزی از فعالیت‌های مشارکت‌زا تأکید می‌کند. بنابراین دیدگاه‌های فوق بجز دو دیدگاه اخیر، در جامعه آماری پژوهش حاضر می‌تواند کاربرد داشته باشد.

راهکار و پیشنهاد:

زنان به عنوان نیمی از قشر عظیم جامعه به عنوان اهرم مؤثری در راه توسعه و پیشبرد فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی هستند. با وجود آن که زنان نقش به‌سزایی در توسعه ایفا می‌کنند اما در اغلب جوامع نقش آن‌ها واضح نبوده و لذا به آن توجهی مبذول نگشته است، بنابراین لازم است نحوه‌ی ایفای نقش آن‌ها تغییر کند و به عبارتی زمینه‌های لازم برای رشد و مشارکت آن‌ها فراهم گردد. چرا که به طور یقین در جامعه‌ای که می‌خواهد به سوی توسعه حرکت کند، به جای این که صرفاً عوامل تغییر کنند، جامعه در جهت تعالی انسان‌ها و به سوی کاهش نابرابری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و خصوصاً نابرابری‌هایی که معیار آن جنسیت انسان‌ها باشد، حرکت کند و با ایجاد نهادها و تسهیلات لازم بتواند زمینه‌های مشارکت هر چه بیشتر زنان را در عرصه‌های مختلف فراهم کند یا بدین وسیله موانعی که بر سر راه مشارکت زنان به وجود آمده و منجر به کم‌رنگ شدن نقش آن‌ها گردیده است، برطرف گردد که در این بین موانع اقتصادی و اجتماعی به عنوان مهم‌ترین موانع مشارکت زنان یاد شده است. برخی از موانع اقتصادی - اجتماعی به خود زنان برمی‌گردد که باید با تقویت دیدگاه‌های مثبت و تضعیف دیدگاه‌های منفی نسبت به رفع آن‌ها اقدام نمود و برخی دیگر به دست اندرکاران امر تعاونی و در نهایت دولت مربوط می‌باشد که می‌توان در چهارچوب اهداف و سیاست‌های دولت و از طریق راه‌های قانونی نسبت به رفع موانع اقدام نمود. لذا پیشنهاد می‌شود، با توجه به سرمایه‌ی اندک و تجربه‌ی ناکافی در زمینه‌ی تعاونی‌های زنان، وزارت تعاون و صندوق تعاون باید با پرداخت وام و تسهیلات یارانه‌ای به طور جدی به حمایت از تعاونی‌ها بپردازد و در ادامه به روند به‌کارگیری تسهیلات توسط اعضا نظارت کامل داشته باشد. لذا باید دولت، مکانیزم‌هایی را طراحی نماید که به منزله‌ی اهرم فشار عمل نموده و اعضاء را از جذب تسهیلات و کنار کشیدن از تعاونی باز دارد، تا بدین وسیله، زحمات مسئولین و دست اندرکاران امر تعاونی که بیشتر، سوق‌دهی مردم به مشارکت در فعالیت‌ها است، ضایع نشود.

منابع و ماخذ:

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۷۳)؛ مشارکت، تعاون و توسعه روستایی، ماهنامه تعاون، دوره جدید، شماره ۴۰.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱)؛ مشارکت اجتماعی زنان، مجله پژوهش زنان، سال ۳، شماره ۷.
- زرگری، رقیه (۱۳۷۵)؛ مجموعه مقالات همایش، تعاون، زن و اشتغال، برگرفته از مقاله توسعه صنایع دستی و اشتغال زنان در تعاونیها، تهران، وزارت تعاون.
- حامد مقدم، احمد (۱۳۷۰)؛ توسعه روستایی و مشارکت، مجله ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۴، شماره ۳.



- دپفر، کورت (۱۳۶۵)؛ راهبردهای و توسعه روستایی، ترجمه عباس مخبر، تهران، روستایی جایگزین برنامه‌ریزی در سطوح محلی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- سینگ، رانجیت (۱۳۸۱)؛ آموزش و ترویج مشارکتی مدل پنج *P*، ترجمه کریم نادری، ماهنامه جهاد، سال ۲۲ شماره ۲۵۲.
- گای، درام (۱۳۶۶)؛ توسعه مشارکتی چشم‌اندازی از تجربه‌های توده‌های روستایی، گاهنامه روستا و توسعه، جهادسازندگی، شماره ۴.
- مردوخی، بایزید (۱۳۷۴)؛ مشارکت مردم در فرایند توسعه و طراحی برای سنجش میزان آن، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم، شماره ۶.
- بوگاردوس، اموری (۱۳۵۲)؛ تعاون اصول اولیه، ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور، تهران.
- طالب، مهدی (۱۳۷۹)؛ اصول و اندیشه‌های تعاونی، دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- فولادیان مجید و احمد رضانی‌فرد (۱۳۷۸)؛ نظریه‌ها و پارادایم‌های مشارکت در جامعه‌شناسی، انتشارات سخن‌گستر.
- دلاور، علی (۱۳۷۸)؛ مبانی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد.
- چلیبی، مسعود (۱۳۸۰)؛ پژوهش در علوم اجتماعی، نشر نی، تهران.

- Oakloy and morsden (1984): *Social & Ecomic Rural Participation Development*,
 www. Google site.

- Reddy Richard. ET. Al (1973): "Why dopeople participation in voluntary action"?
Journal of Extention, vor. X, wenter.

- Simpson. & cala. C (2001): *Measuring Results in Community Development*,
An Exploration of participation and Net work copacity Domains, CRHA
 (Calgary Regind Health An thority).

- Moseley. N, and. Cherrett. D (1999) *Participation Rural Development*,
 www. Googel site.